

نمود عناصر فرهنگی و طبیعی - اکولوژیک در موسیقی سنتی ایرانی (مطالعه موردی: موسیقی سنتی کردی)

پیمان کریمی سلطانی، ابراهیم محمدی

نام و نشانی ایمیل نویسنده مسئول:

پیمان کریمی سلطانی

kpeyman1356@gmail.com

چکیده

موسیقی هر قوم بازگوکننده آمل، آرزوها و احساسات است و نوع حرکت این احساسات و آرزوها را بیان می کند. نوع رفتارها و حرکاتی که عشق، حماسه، دلداری، عرفان، بزم و سایر نمودها ی فرهنگی را نشان می دهد. افسانه ها، اسطوره ها، داستان ها، حکایات، ضرب المثل های قومی و به طور کلی فرهنگ، ادب و هنر اقوام، منبع الهام و درون مایه اصلی آنها را تشکیل می دهد. از آنجایی که موسیقی فولکلور کردی جزو غنی ترین و پربارترین فولکلور های موجود است و قدمت و تنوع زیادی دارد، از این رو در این مقاله به دنبال تأثیر و نمود عناصر طبیعی - اکولوژیک و فرهنگی در موسیقی سنتی کردی می باشیم. برای رسیدن به اهداف مطرح شده از منابع در دسترس، مصاحبه مستقیم و استفاده از ابزارهای سمعی و بصری از قبیل DVD، CD، فیلم و ویدئو، بهره گرفته شده است. فرهنگ و طبیعت آن چنان در هم تنیده شده اند که تصور یکی بدون دیگری در زندگی آدمیان مشکل است. گاه آدمیان این دو عنصر را به هم پیوند می دهند تا مطلب خود را ادا کنند یا مراد خود را حاصل نمایند. واقعیت این است که تفکیک عناصر طبیعی - اکولوژیک و عوامل و عناصر فرهنگی در موسیقی کردی بسیار مشکل و در اغلب مواقع غیر ممکن می باشد. این عوامل و عناصر در موسیقی کردی گاه در تقابل و گاه در تعامل با یکدیگر قرار می گیرند.

واژگان کلیدی: موسیقی سنتی کردی، عناصر طبیعی، عناصر فرهنگی، موسیقی ایرانی.

مقدمه

موسیقی قومی بخشی از فرهنگ و هویت قومی و ملی می باشد. موسیقی هر قوم بازگوکننده ی آمل، آرزوها و احساسات است و نوع حرکت این احساسات و آرزوها را بیان می کند. نوع رفتارها و حرکاتی که عشق، حماسه، دلداری، عرفان، بزم و سایر نمودها ی فرهنگی را نشان می دهد افسانه ها، اسطوره ها، داستان ها، حکایات، ضرب المثل های قومی و به طور کلی فرهنگ، ادب و هنر اقوام، منبع الهام و درون مایه ی اصلی آنها را تشکیل می دهد. موسیقی به عنوان پدیده ای انسانی و جهان شمول، مستلزم طرح، شناخت و پژوهش می باشد تا زوایای مختلف و ناپیدای زندگی جوامع را از خلال تحلیل آن باز یابیم. موسیقی کردی که جزئی لاینفک از فرهنگ و زندگی آنهاست و هر فردگرد از بدوتولد تا آستانه ی مرگ موسیقی را به عنوان عنصری فرخ بخش و نشاط آور و به عنوان عنصری که آلام را تسکین می دهد یا انسان را به اندیشیدن فرا می خواند و همیشه همراه اوست مورد استفاده قرار می دهد.

در بین هنرهایی که مبدأ آن ها اندیشه است نمونه ی بزرگی از دوران باستان در دست است که بزرگ ترین نشانه ی تعالی فکری اجداد ما است، و آن کتاب اوستا است که می توان آن را به عنوان قدیمی ترین گنجینه ی جذبه ی دینی و فلسفی و اجتماعی قوم (گرد) معرفی کرد. (زیرا بنا بر برخی اسناد و دستاویز های تاریخی زرتشت از دودمان ماد بوده ومادها هم نیاکان کردها

هستند) (صفی زاده، ۱۳۷۷: ۲۶). ضرورت شناخت موسیقی در دو سطح مطرح است: ۱- در سطح محلی و قومی: چون موسیقی قومی بخشی از میراث فرهنگی است، شناخت و بازسازی آن موجب حفظ، اعتلا و تقویت فرهنگ اقوام می گردد. ۲- در سطح ملی: فرهنگ ملی از اجتماع های قومی و محلی تشکیل شده است. با شناخت و تقویت موسیقی های قومی و محلی، موسیقی ملی در قالب هویت ملی به شکوفایی می رسد. آنگونه که «کلینکا» موسیقی دان نامی روس بر اساس موسیقی های محلی سمفونی ملی خود را نوشت. امروزه با گسترش اجتناب ناپذیر ارتباطات و تغییرات سریع و دگرگونی ساختار های اجتماعی و فرهنگی کهن، در جامعه ی کُرد بخش بزرگی از میراث فرهنگی و به ویژه موسیقی در حال دگرگونی و یا از بین رفتن است (محمدی، ۱۳۸۸: ۸). عادات، سلیقه ها، تمایلات، آرزوها و مصائب انسانها در قالب نظام موسیقی آنها گنجانده و بیان می گردد. از آنجا که موسیقی بخشی از فرهنگ است، بنابراین، برای درک و شناخت فرهنگ، به جنبه ی موسیقایی آن نیز باید توجه کرد. موسیقی قالبی است برای بیان اندیشه ها و وسیله ای برای بیان مفاهیم و موضوعاتی که به شیوه های دیگر قابل بیان نیستند. نظام موسیقایی مردم کرد تحت تأثیر عوامل محیطی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، برخی از ویژگی ها و عناصر را برجسته تر از سایر جنبه ها و عناصر معرفی کرده است (فرخ نیا و محمدی، ۱۳۸۹: ۲۸). موسیقی به عنوان پدیده ای انسانی و جهان شمول، مستلزم طرح، شناخت و پژوهش می باشد تا زوایای مختلف و ناپیدای زندگی جوامع را از خلال تحلیل آن باز یابیم. موسیقی کُردی که جزئی لاینفک از فرهنگ و زندگی آنهاست و هر فرد کُرد از بدو تولد تا آستانه ی مرگ موسیقی را به عنوان عنصری فرح بخش و نشاط آور و به عنوان عنصری که آرام را تسکین می دهد یا انسان را به اندیشیدن فرا می خواند و همیشه همراه اوست مورد استفاده قرار می دهد.

در خلال این تحقیق به بررسی تعامل نظام موسیقایی کُردها با محیط طبیعی آن ها و شکل دهی ساختار موسیقایی به وسیله ی نظام فرهنگی پرداخته شده و اینکه افراد آن جامعه به چه شکل در چهارچوب نظام موسیقایی به بیان اندیشه ها، خواست ها، آرزوها و مصائب خود پرداخته اند؟ به عبارت دیگر، هدف از انجام این پژوهش مطالعه ی موسیقی کُردی با دید انسان شناختی است. در این تحقیق سعی شده است تا به شکل مختصر به شناسایی موضوعات درون موسیقی کُردی، جایگاه آن در فرهنگ این مردم و مشخص نمودن نقش عوامل محیطی و فرهنگی در موسیقی کُردی پرداخته شود. برای رسیدن به اهداف تعیین شده دو سوال اصلی پژوهش به شکل زیر مطرح می شود:

۱- نقش و نمود عناصر طبیعی-اکولوژیکی در موسیقی کُردی چگونه است؟

۲- نقش و نمود عناصر فرهنگی در موسیقی کُردی چگونه می باشد.

۲-روش تحقیق

در این پژوهش از سه شیوه عمده مصاحبه مستقیم با اهل فن و برخی از نامداران موسیقی کُردی سنتی، استفاده از منابع موجود و همچنین، شنیداری به شکل بهره گیری از ترانه های سنتی کُردی در قالب CD، DVD، فیلم و ویدئو استفاده شده است.

۳-نتایج

۳-۱-نقش عناصر طبیعی و اکولوژیکی بر موسیقی کُردی

در انسان شناسی محیط شناسی یکی از مهمترین عناصر سازنده فرهنگ را محیط طبیعی تشکیل می دهد، تا آن جا که در تعریف فرهنگ به میزان تطبیق افراد با محیط تأکید می شود. محیط طبیعی سهمی بسزا در موسیقی کُردی دارد و ما از طبیعت به عنوان تم و موضوعی بنیادی که در اغلب مقام ها و ترانه ها به نوعی تکرار شده پرداخته ایم.

۳-۱-۱- **طبیعت:** سرزمین کردستان دارای دو نوع اقلیم و آب و هوای متفاوت است. از یک سو با مناطقی مانند اورامان مواجهیم که سرزمینی کاملاً کوهستانی است و مردمان آن دائماً با سختی های ناشی از آن و قشلاق و بیلاق کردن مواجه هستند. در این محیط فرهنگ خاصی رشد کرده و در این فرهنگ موسیقی ویژه ای شکل گرفته است. طبعاً عناصر موسیقایی این خطه بر گرفته از محیط اطراف است، حتی نوع اقلیم بر حنجره خواننده، نوع صدا و تحریرهای او اثری فوق العاده داشته، که در مناطق دیگر یافت نمی شود.

خواننده های مطرح این وادی دارای تحریر های بسیار ریز و پیچ در پیچ هستند، گویی با این نوع تحریر می خواهند راه های پر پیچ و خم کوه های سر به فلک کشیده را به تصویر بکشند. این تحریر ها هم چنین نماد سازی است از صدای کبک که در این ناحیه به وفور یافت می شود. موسیقی اورامان تند و سریع است زیرا هوای سرد کوهستان چنین چیزی را طلب می کند، دسته جمعی است نه انفرادی زیرا محیط کوهستان همکاری بیشتری می طلبد. با کف زدن همراه می شود تا شادی و تلاش را در برابر مشکلات به مردمانش هدیه کند، البته محتوای حزین آن زیبایی ویژه ای به آن می بخشد که تاریخ پر مرارت کُرد ها را به تصویر می کشد. مانند: سیاه چمانه و انواع آن. از سوی دیگر با مناطقی روبروئیم که ترکیبی از دشت و کوه بوده و گرمسیر است، مانند کرمانشاه و کرکوک، که دارای آهنگ های آرام و انفرادی چون هوره هستند.

الف- انعکاس عناصر طبیعی-اکولوژیک در موسیقی کردی:

۱- حیوانات: شیر (نماد قدرت و عظمت)-گرگ (نماد متجاوز)- پلنگ (نماد قدرت)- اسب (نماد نجابت)- آهو (نماد خوش اندامی)- خرگوش (نماد چالاکی).

۲- پرندگان: بلبل، قمری (نماد های خوش سخنی)- عقاب، شاهین و باز (نماد های قدرت و شکوه و عظمت)- کبوترو مرغابی (نماد لطافت)- جغد (نماد شومی).

۱-۲- بلبل:

ئه ئ بولبولی شه یدا منیش وه ک تو

Ay bolbolî šaidā mnî š vak to

له هئ لانه و که س و کارم ده ر کرارم

La hêlāna-u- kas-u- kârm dar krâvm

ترجمه:

ای بلبل شیدا من نیز همچون تو بی آشیان گشته ام.

۲-۲- پروانه (نماد عاشقی):

شه م سوتا بولبول و په روانه نوستن هه ئ عه جه ب

šam soota bolbol -u- Parvana nostn haê ajab
تفألای دل بئداره و من هه ر لایه لایه ئ بو ده که م

Tffî dll bêdâra -u- mn har lāya lāyaê bo dakam

ترجمه:

شمع سوخت و بلبل و پروانه آرمیدند، ای عجب
دل همنوز بیدار است و برایش لای لای می خوانم

۳- درخت: بید مجنون (شوره بی = نماد عاشقی و قد بلند)- چنار، سرو و صنوبر (نماد های قد بلند).

۴- گل: گل در ادبیات ایرانی ها معمولاً سمبل زیبایی است و در ادبیات کردی نیز چنین معنایی دارد. عمده ترین گل ها در نظام موسیقایی کردی عبارتند از: شب بو- ریحان- گل محمدی (گل باخی)- بنفشه (وه نه وشه)- به ره زا (نام گلی است که در لابلای صخره ها رشد می کند و نماد بی نظیر بودن است)- چنور- لاله (هه لاله = نماد سرخ رو)- گل میخک- (نماد خوش بو یی است)- گل پیچک (له و لاو= نماد خرامان و رعنا بودن است)- گل سرخ.

۱-۴- گل بنفشه:

گول وه نه وشه ئ باخانمی

Gool vanavšaê bakānmî

شه و چرائ دیواخانمی

šav çrâê dîvākānmî

ترجمه:

گل بنفشه و چراغ روشنایی من هستی.

۵- کوه در موسیقی کردی: کوه های کردستان که در ادبیات کردی، نماد شکوه و عظمت و اقتدار هستند و در موسیقی بسیار شاخص اند که مهمترین آن ها عبارتند از: بیستون- شاهو- دالاهو- آربابا- دماوند(این کوه هرچند در کردستان نیست اما چون جزو میراث فرهنگی مشترک ایرانیان است در ادبیات کردی نیز تبلور یافته است) نظیر این بیت:

منو ده ماوه ند عه هدیو مان که رده ن

Mno damāvand ahdîomān

ئه و ته م و من غه م تا وه روی مه رده ن

Aw tam-u- mn qam tã wa rroî mardan

ترجمه:

من و دماوند با هم عهد بستیم تا زمان مرگ من در غم و غصه و او در مه باقی بمانیم.

۶- رود خانه در موسیقی کردی: رودخانه های وان در ترکیه و سیروان در اورامانات که جلوه بسیاری از آوازهای پرسوز

گشته. نظیر این بیت:

سیروان غه ریبم قه درم بزانه

Sîrwān qarîbm qadrm bzāna

ده رد غه ریبی چه ن ئ گرانه

Dard qarîbî çanê grāna

ترجمه:

سیروان قدر من غریب را بدان درد غریبی بسیار جان کاه است.

۷- سایر عناصر طبیعی که در موسیقی کردی تجلی یافته اند: شب، روز، نیمه شب، سحر، غروب، طلوع آفتاب، گردون، ابر، باد شه مال (باد بهاری)، ماه، ستاره آسمان، هفت آسمان، سایه، خورشید، آب، باران، هلال ماه، سیب، به، انار، بهار، پاییز، زمستان، باغ نسیم بهاری.

۲-۳- عناصر فرهنگی در موسیقی سنتی کردی

منظور از فرهنگ همانا جنبه غیر بیولوژیک انسان است که تمام دستاوردهای انسان و آن چه را که در نتیجه زندگی اجتماعی آموخته می شود در بر می گیرد، به دیگر سخن، فرهنگ راه و روش زندگی و تمام تجارب یک قوم و یا یک ملت است. فرهنگ از عناصری چون نظام سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، دینی، هنر و موسیقی، آداب و رسوم، زبان، ارزش ها، ابزار، فنون و غیره، تشکیل شده است. مطالعه فرهنگ در قلمرو شاخه ای از علم انسان شناسی با عنوان انسان شناسی فرهنگی قرار دارد. از آن جا که موسیقی پدیده ای فرهنگی و جهانی می باشد، همواره مورد توجه علم انسان شناسی بوده است. در این قسمت، توجه به نمود های

فرهنگی در موسیقی گردی در کنار سایر موضوعات مد نظر است تا ذره ای از تجلیات فرهنگی را در این نظام موسیقایی باز شناسیم.

۳-۲-۱- عناصر فرهنگی در نظام موسیقایی: ازدواج و نظام خویشاوندی- چوپان- نی- دختر کوزه به دست- مادر-

زن-خالو (دایی)- ناموزا (دختر عمو)- رقص و پایکوبی- عشق و محبت- نظر(سحر و جادو)- انسان دوستی- ره ش به له ک- نوعی رقص، که دختر و پسر یک در میان دست هم دیگر را گرفته و کارکرد آن انتخاب همسر آینده است)- فداکاری و قهرمانی- گذشت و حماسه و ایثار- شهید - خاک وطن- شهرهای کردستان- ایران و بعضی شهرهای آن نظیر تهران، شیراز و تبریز.

۳-۲-۱- ازدواج و نظام خویشاوندی: ازدواج یکی از پدیده های عام بشری است. هیچ قوم و جامعه ای را نمی شناسیم

که فاقد این پدیده که موجب بقای نسل آدمی است باشد. اگر چه ازدواج به ظاهر امری بیولوژیکی می نماید که ما بین انسان و حیوان مشترک است؛ اما ازدواج امری کاملاً فرهنگی است، که هر قوم و ملتی آن را به سبک و شیوه مخصوص به خود انجام می دهد، تا آن جا که تفاوت ها بسیار بیشتر از شباهت ها است.

ازدواج در میان قوم گرد امری چند وجهی است که تحت تأثیر محیط طبیعی، جامعه، فرهنگ، دین و نظام اعتقادی قرار دارد؛

و این ابعاد در نظام موسیقایی تبلور یافته است.

۳-۲-۱-۱- عروسی ربایشی: مردم شناسان بر این باورند که در دوره هایی از تاریخ به دلایل متعدد از جمله جنگ، شیوع

بیماری های واگیر یا قحطی و خشک سالی و زنده به گور کردن دختران، تعادل جمعیتی به هم خورده و تعداد زنان به شدت کاهش می یافت؛ قبیله نیز جهت برگرداندن تعادل و جبران کمبود زن، دست به ربودن دختران از قبایل دیگر می زد، و این گونه بود که تعادل جنسیتی توسط عروسی ربایشی برقرار می شد. در ادامه اگر چه این رسم با ایفای نقش خود بر می افتاد، اما به صورت نمادین در آن جامعه باقی می ماند و وارد مفاهیم، ضرب المثل ها، شعر و موسیقی آن قوم می شد. در فرهنگ قوم گرد، مفهوم عروسی ربایشی به صورت نمادین وجود دارد، و در مثل ها خصوصاً فرهنگ موسیقایی تبلور یافته است. در بعضی از این ترانه ها می بینیم که پسر و دختری که به هم علاقه مند شده اند، اما خانواده ها به دلیل تحمیل سلطه ی پدر سالارانه ی خود مانع از این ازدواج می شوند، پسر از دختر می خواهد که با هم فرار کنند؛ البته آن ها به دلیل قدمت این رسم، ساخت یافتن آن در جامعه ی کردستان، و مرسوم بودن آن در ادوار گذشته، ناخودآگاه می دانند که پس از فرار و بازگشت مجدد، به میان اقوام، جامعه آن ها را خواهد پذیرفت و طردشان نخواهد کرد.

ترانه ی زیر گویای مطلب فوق است:

ثامین و ثامین به تو ده لیم کالی

Āmîn-u- āmîn ba to dalêm kâlê

وه ره با بړوین به جئ بئالین مائی

Wara bā brroîn ba jê bêlîn mâlê

خه تائ خوم نیه دل بوت ده نالی

Xatâê xom nêa dll bot danâlê

ترجمه:

از معشوقش که آمنه نام دارد می خواهد به دلیل علاقه ی زیاد به او با هم از منزل فرار کنند.

۳-۲-۱-۲- عروسی ژن به ژن (مبادله زن با زن): رسمی در کردستان وجود داشته که طبق آن خانواده ای دختری از خانواده ی دیگر

می گرفت و در عوض دختری به آن خانواده به عنوان عروس می داد، به این رسم «ژن به زن» می گفتند. چنین ازدواجی معمولاً با تنش از سوی دو خانواده همراه بود، اگر یکی از خانواده ها عروسش را آزار می داد خانواده ی دیگر دست به مقابله به مثل می زد، قضیه اوج پیدا می کرد به جنگ میان دو خانواده و دو طایفه منجر می شد و عروس ها در میان این جنگ طایفه گری باید رنج و مشقت زیادی تحمل کرده و حتی منجر به خودکشی آن ها می شد. البته این رسم تقریباً منسوخ شده و اگر مواردی یافت شود به دلیل هسته ای شدن خانواده ها مسأله ای ایجاد نمی کند. وجود چنین رسمی به عنوان پدیده ای که دختران همیشه از چنین ازدواجی در هراس بودند در فولکلور و موسیقی گردی انعکاس یافته است. بیت زیر گویای مطلب است.

چه نده خرا په ژن به ژن کردن

čanda xrāpa Žn ba Žn

کچی روومه ت نال به ژئیر گل بردن
kčī rroomāt āll baŽēr gēl brdn

ترجمه:

رسم «مبادله زن با زن» کردن مانند این است که دختر زیبا را به گور بفرستی.

۳-۲-۱-۱-۳-دایمی (خالو): بعضی از انسان شناسان، نظیر «مک لنان» معتقدند دوران ژینوکراسی (زن سالاری) قبل از دوران پدر سالاری برجوامع انسانی حاکم بوده است، در این دوران زنان بر جامعه سلطه داشته، فرزندان از مادر نام خود را به ارث می بردند، پسر با پدر نه تنها رقابتی نداشت بلکه رفاقت هم داشتند و دایمی نقش مهمی در این جوامع بر عهده داشت. در ترانه ها و مقام های گُردی اشارات زیادی به خالو (دایمی) شده و به احتمال زیاد اهمیت دایمی در فرهنگ گُرد ها نشان از دوران دایمی سری در کردستان می باشد. مقام زیر گویای این مطلب است.

خالو خالو ته که م بلئی خالو

Xālo xālotā kam blē xālo

خالو ده م وه بان خالانت مالو

Xālo dam wa bān xālānt mālo

شه رت بئی له داخلی خالو خالوی تو

šart b ēla dāxī xālo xāloī

خوه م که م وه کویره که ئ چارده سأل له نو

Xom kam va korrakāē ēčārda sāl la no

ترجمه:

دختر، مرد را دایمی خطاب می کند که مفهوم آن مَسْن دیدن اوست، وی از این خطاب بدش آمده و می گوید، من قصد بوسیدن تو را دارم ، از لُج این خطاب تو شرط می بندم که خودم رابه سن چهارده سالگی برگردانم.

۳-۲-۱-۱-۴- دختر عمو (ناموزا): در زبان گُردی واژه ای که برای دختر عمو و پسر عمو به کار می رود، یکسان است، و هر دو را (ناموزا) خطاب می کنند. تعداد ترانه هایی که به نام (ناموزا) موسوم است بسیار زیادند، تکرار زیاد این واژه و اشاره به ازدواج پسر عمو با دختر عمو، کهن بتودن این سنت را به اثبات رسانده و هم چنین قدمت این رسم به قبل از اسلام نیز بر می گردد. مثلی در این رابطه وجود دارد که می گوید، عقد دختر عمو با پسر عمو را در آسمان ها بسته اند، تا آن جا که بعضی از خانواده ها ناف آن ها را به اسم هم می برند. آن جا که عاملی علیرغم عشق متقابل مانع ازدواج پسر عمو با دختر عمو شده، ترانه های پر سوز و گدازی ساخته شده که در عین نوستالوژیک بودن، بسیار پر مخاطب هستند. ترانه ی زیر گویای این مطلب است:

خوم به خومم کرد تیر بارانم که ن ناموزا گیان

Xom ba xomm krd tîr bārānm kan āmožā gîān
له سه ر به یانان دور له شارم که ن ناموزا گیان

La sar baēānān dor la šārm kan āmožā gîān
کانیه که ئ به ر مأل س ئو دانه دانه ناموزا گیان

Kānēakaê bar māll sêw dāna dāna āmožā gîā

یارم دانیشته زولف ئه کاشانه ناموزا گیان

Yārm dāništêa zolf akā šāna āmožā gîān

ترجمه:

خطاب به دختر عمو پیش که لب چشمه نشسته و زلفش را شانه می کند، می گوید که اگر نصیب من نشدی کوتاهی از خودم بود، پس یا مرا از شهر بیرون کن یا سنگ سارم ساز.

۳-۲-۱-۲-جادو، دعا و نفرین در فرهنگ موسیقایی کردی: جادو کوششی است برای تسلط بر طبیعت به وسیله ی الفاظ و اعمال غیر علمی از راه خطا. فریزمی گوید: سحر و جادو مقدمه ی رسیدن به علم است. نخستین راه تسلط بر طبیعت، که بشر به آن پرداخت، سحر و جادو بود که به تدریج تحول و گسترش یافت، و دارای آداب و رسوم و تشریفاتی گشت. (فریزر، ۱۳۸۲: ۸۹-۸۷). جادو به طور کلی به دو وسیله صورت می گیرد: یکی به وسیله الفاظ و اوراد، کلمات و جملات و دیگری به وسیله ی حرکات و اعمال، پس جادو از نظر وسیله به دو شکل جادوی لفظی و جادوی عملی تقسیم می شود.

جادوی لفظی ابتدایی تر و ساده تر از جادوی عملی است، زیرا همه ی افراد از عهده ی آن بر می آیند. اشخاص برای رسیدن به هدف خود درباره ی طبیعت یا انسان ها الفاظ خوب یا بدی را به چیزی می گفتند و معتقد بودند که، اثر آن الفاظ در آن چیز ظاهر می شود. جادوی عملی مشکل تر و پیچیده تر از جادوی لفظی است، از این رو عملی تخصصی محسوب شده و کارکاهنان و جادوگران است. در این نوع جادو هم از الفاظ استفاده می شود هم حرکات و اعمال مخصوصی انجام می گیرد. جادوی لفظی بیشتر با جادوی تقلیدی همراه است و جادوی عملی بر مبنای جادوی مسری است، یعنی عملی روی شیئی انجام داده و تصور می شود که بر روی هدف اصلی نیز همین تأثیر را خواهد گذاشت. (فضایی، ۱۳۸۴: ۱۸۴-۱۷۶). تبلور جادو خصوصاً جادوی لفظی یا تقلیدی در ادبیات فولکلور کردی نمایان است. در نظام موسیقایی نیز انعکاسی از این نوع جادو را می بینیم. نفرین کردن، دشنام دادن، چشم زدن و آرزوی بد فرجامی برای دیگری خصوصاً در مسائل عاشقانه بسیار مشاهده می شود. نفرین مادر و پدر به خاطر ندادن دختر، نفرین روزگار غدار، نفرین دختر برای بد عهدی، طلب کمک از عناصر ماوراء طبیعی، همگی گویای حضور جادو جهت حل مسائل در میان کرد ها می باشد، که در مقام ها خصوصاً ترانه ها شاهد آن هستیم.

۳-۲-۱-۳-استمداد از ماوراءالطبیعه: زمانی که با ابزار و امکاناتی که نظام فرهنگی، فراهم می کند، نتوان بر مشکلات فائق آمد، استمداد از عناصر ماوراءالطبیعه امری طبیعی خواهد بود. هر چه سطح علم و دانش و تسلط بر طبیعت ضعیفتر باشد این راه حل بیشتر به چشم می خورد. در نظام موسیقایی کردی به وفور شاهد طلب کمک از عناصر ماوراءالطبیعه جهت انجام امور هستیم. خودا بمکه ی به بازی، با بگرم ئه و نه چیره

Xodā bmkai ba bāz êbā bgrm aw naçîra

ئه ی وه ی پ ئم بآئی ئه منت له بیسه

Ay way pê m blé amnt la bîra

ترجمه:

ای کاش خداوند مرا به پرنده‌ی بازمبدل می ساخت تا به نزد دلدارم رفته و از او می پرسیدم که آیا مرا به یاد می آورد؟
۳-۲-۱-۴- موسیقی و مخاطبان: چون موسیقی پدیده‌ای فرهنگی است، ارتباط دو سویه و متقابلی بین خواننده و مخاطب یا موسیقی و مخاطب به وجود می آید. از یک سو هدف خواننده جلب رضایت شنونده است، از سوی دیگر نظام موسیقایی به عنوان یک نهاد، مسئول بازنمایی‌های جمعی و رفع پاره‌ای از نیازهای مردم است. مخاطبان نیز نهاد موسیقی را به سمت و سوی خاصی هدایت می کنند.

معیارهای خوب و عالی بودن موسیقی از نظر مخاطبان متفاوت است، اما اشتراکاتی در نظام فرهنگی به وجود می آید که نوع خاصی از موسیقی را می طلبد و آن را ماندگار می کند؛ در لایه‌های عمیق خواسته‌های مخاطبان گرد آواز مطلوب، باید سوزی درونی وجود داشته باشد و معنایی فرهنگی - اجتماعی القاء کند، تا مورد توجه شان قرار گیرد. در مناطق کوهستانی صدای اوج باید با این سوز همراه شود تا مورد پسند واقع شود؛ نظیر اورامان و بعضی نواحی سنج. در نواحی گرمسیر مانند بخش‌هایی از شمال عراق و کرمانشاه صدای پر سوز باید آرام اجرا شود تا ماندگار شود (مانند هوره). راز ماندگاری بعضی از خواننده‌ها نیز همین است که آن‌ها (روح جمعی) جامعه را به زیبایی در آهنگ‌های خود متجلی ساخته اند.

خواننده هر چه از تجلی خواست‌های جامعه فاصله بگیرد به همان میزان ناموفق تر است. راز اسطوره شدن «سید علی اصغر کردستانی» در مقام و «حسن زیرک» در بسته (ترانه) نیز علاوه بر صدای پر سوز و گیرا؛ انعکاس خواست‌های جمعی جامعه در آهنگ‌های آن‌ها است. عکس‌العمل مخاطبان به مقام زیبا و موفق، تکان دادن سر و بدن به طرفین با حالتی پر از طمأنینه است. هر چه خواننده بیشتر احساسش را به شنونده منتقل کند، این حالت بیشتر روی می دهد، در اوج این حالت اشک‌های شنونده‌ی متأثر جاری می شود. ترانه هر چه ریتمیک تر باشد موفق تر است. علامت موفقیت ترانه؛ تکان دادن سر و بدن به جلو توسط مخاطب، به همراه کوبیدن پنجه‌ی پا بر زمین است. هرچه عکس‌العمل مخاطب پر شور تر باشد، خواننده نیز پر احساس تر می خواند و حس پرواز و اوج گرفتن به او دست می دهد.

۳-۲-۱-۵- موسیقی درمانی: موسیقی در فرآیند زندگی کردها از جایگاه مهمی برخوردار است. موسیقی غم و غصه را از بین برده عامل آرامش، تسکین و اندیشه بوده و فرآیند کار را همراهی می کند. صدای شمشال (نوعی نی فلزی) خاصیت درمانی دارد، تنبور نیز که ساز مخصوص اهل حق می باشد، حالت عرفانی و خلصه‌ی خاصی به مخاطب می بخشد. در مناطقی چون مکریان (مهاباد) و اورامان بیماری خاصی به نام اسپک (حصه) که نوعی افسردگی است را، نوازنده‌ی ماهر حیران‌خوان، با نواختن شمشال، مداوا می کند (اطلاع دهنده، خود شاهد مداوای بیماری از این طریق بوده). در کرمانشاه نیز که هوره مقام اصلی آن هاست، در هنگام بیماری برای بیمار (هوره چر) ی مشهور، بر بالین او نغمه سر می دهد، اگر خود بیمار از ته صدایی برخوردار باشد با خواندن هوره خود درمانی می کند (نگارنده گان شاهد این گونه خود درمانی بوده اند).

۴- بحث و نتیجه گیری:

واقعیت این است که تفکیک نقش عوامل طبیعی-اکولوژیک و عوامل فرهنگی در موسیقی کردی چندان ساده نیست و این عوامل در موسیقی سنتی کردی گاه در تقابل با هم قرار گرفته و گاه در تعامل با یکدیگر قرار می گیرند. در بسیاری از مواقع، فرهنگ و طبیعت در موسیقی کردی در تقابل با یکدیگر قرار می گیرند. در آوازهای کردی گاه زن به عنوان سمبل فرهنگ در مقابل طبیعت (در اینجا ماه سمبل آن است) قرار می گیرد، کشمکش و ره آوردی بین طبیعت و فرهنگ (زن و ماه) در می گیرد، و منجر به پیروزی فرهنگ (زن) می گردد. این تقابل فرهنگ و طبیعت را می توان به دورانی نسبت داد که انسان ابزارهای مناسبی جهت تسلط بر طبیعت ساخت، و از زیر سلطه‌ی طبیعت رها گردید. در این جا سیر تکامل موسیقی کردی به سمت «فرهنگ» مشاهده می شود. آواز زیر گویای این مطلب است:

مانگی یه ک شه و بو ئه دائم زیاد ئه کاو ئه شن ئه ته وه

Māngî yak šaw boêa dâêm zyâd akâw ašnêtawa

تا جوانی خوئی وه کو بوی تو براز ئن ئه ته وه

Tā jwānī xoê wako rroê to brrāzênêtawa
تا ده گا ته چارده هم تئ ده گا، نا گا به تو

Tā dagāta cārdahm tê dagā nāgā ba to

جا له داخا ورده ورده که م نه کاو نه توئ ته وه

Jā la dāxā worda worda kam akāv atwêtava

ترجمه:

می گوید؛ معشوقه ی من به اندازه ای زیباست که ماه شب اول با دیدن زیبایی چهره اش تصمیم می گیرد خود را در زیبایی به وی برساند، پس شروع به بزرگ شدن می کند، وقتی به قرص کامل تبدیل شد و متوجه شد که هرگز به زیبایی او نمی رسد، از غصه اندک اندک نحیف و لاغر می شود.

در برخی از مواقع فرهنگ و طبیعت در موسیقی کردی در تعامل با یکدیگر قرار می گیرند. فرهنگ و طبیعت آن چنان در هم تنیده شده اند که تصور یکی بدون دیگری در زندگی آدمیان مشکل است. گاه آدمیان این دو عنصر را به هم پیوند می دهند تا مطلب خود را ادا کنند یا مراد خود را حاصل نمایند. آواز زیر درد دل، و آه و فغان کسی است که خود را چنان در اوج محنت می بیند که از در دوستی و هم صحبتی با طبیعت بر آمده، هم خود و هم طبیعت را زبون آه سرد دلداری می داند که او را در آسمان و خود را در زمین سرگردان کرده است.

نه ئ مانگ من و تو هه ردو هاو ده ردین

Aê māng mn-u- to har do hāw dardīn

هه ر دو گرفتار یه ک ئاه سه ردین

Har do grftār yak āh sardīn

تو وئل و ږه نگ زه رد به ئاسمانه وه

To wêll-u- rrang zard ba āsmānawa

منیژ ده ر وه ده ر به شانانه وه

mnîŽ dar wa dar ba šārānawa

منابع و مراجع

- [۱] فرخ نیا، رحیم و محمدی ابراهیم، موضوعات محوری در موسیقی شناسی قومی کردهای ایران، نشریه ی هنرهای زیبا-هنرهای نمایشی و موسیقی، شماره ۴۰، ۱۳۸۹، صص ۳۷-۲۷.
- [۲] فریزر، جیمز جرج، شاخه ی زرین، ترجمه ی کاظم فیروز مند، انتشارات آگاه، تهران، ۱۳۸۳.
- [۳] فضایی، یوسف، بنیانهای اجتماعی ادیان ابتدایی، انتشارات پویان فرنگار، تهران، ۱۳۸۴.
- [۴] صفی زاده، فاروق، پژوهشی درباره ترانه های کردی، انتشارات ایران جام، ۱۳۷۵.

[۵] محمدی، ابراهیم، تحلیل انسان شناختی موسیقی کُردی در ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ۱۳۸۸.